

رعد در آسمان بی ابر

- تاریخ شفاهی مبارزه امنیتی با سازمان مجاهدین خلق (۱۳۵۷-۱۳۶۷)
- به اهتمام محمدحسن روزی طلب و محمد محبوبی
- انتشارات یازهرا
- ۷۰ هزار تومان



این کتاب نتیجه نزدیک به دو سال تلاش نویسندگان برای گفتگو با افرادی است که در سال‌های گذشته از مقامات ارشد امنیتی کشور بودند. در ویراست جدید دو گفت‌وگوی تازه به چاپ نخست اضافه شده: اول گفت‌وگو با مسئول بخش مبارزه با التقاط اطلاعات سپاه و دوم گفت‌وگو با مسئول گشت‌های عمار واحد اطلاعات سپاه. در گفت‌وگوی اول از نفوذ در سازمان پیکار خبر داده می‌شود و در گفت‌وگوی دوم از وجود یک جریان شبه‌نظامی و مخفی در برخورد با مجاهدین خلق گفته می‌شود.

استراتژی و دیگر هیچ

- گفت‌وگو با «ناصر رضوی» کارشناس امنیتی درباره سازمان مجاهدین خلق
- محمدحسن روزی طلب
- انتشارات یازهرا
- ۳۸ هزار تومان



«ناصر رضوی» از مسئولان اطلاعاتی امنیتی در نهادهای عمده کشور بوده که بیش از سی سال عمر خدمتی خویش را در حوزه التقاط و به طور اخص در مبارزه با سازمان مجاهدین خلق (منافقین) طی کرده است. احاطه رضوی زمینه‌های متعددی را در برمی‌گیرد. این کتاب حاصل گفت‌وگویی است که روزی طلب در سال ۱۳۹۴ با رضوی داشته است.

شاهد عینی

- گفت‌وگو با نقش آفرینان انقلاب اسلامی
- محمدحسن روزی طلب و وحید یامین‌پور
- اشراق حکمت و موسسه هنری رسانه‌ای اوج
- ۴۲ هزار تومان



این کتاب در بردارنده گفت‌وگو با شخصیت‌هایی چون محمدحسین صفارهرندی، حسین شیخ‌الاسلام، احمد توکلی، غلام‌علی افروز، حسین روح‌الامین، جواد منصوری، مرحوم عسکراولادی، حسن‌علی نوری و... است. در این کتاب موضوعاتی مثل دولت موقت، بنی‌صدر و منافقان، قطع‌نامه ۵۹۸، انتخابات دوم خرداد ۷۶، واقعه ۱۸ تیر و فتنه ۸۸ به‌طور ویژه مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

افتادن نقاب

عملیات مهندسی

شرح و تحلیل کارنامه تروریستی بخش ویژه نظامی مجاهدین خلق است

امیر ممتاز روزنامه‌نگار

در پی ضربات شدید اوایل سال ۶۱ و لورفتن بسیاری از خانه‌های تیمی، سازمان دستور داد افراد مشکوکی را که در حوالی خانه‌های تیمی مشاهده می‌کردند، ربوده و برای کسب اطلاعات شکنجه کنند. این عملیات نوظهور توسط سازمان «عملیات مهندسی» نام گرفت. برای توجیه عنوان می‌شد: «کار مهندسی خیلی پیچیده‌تر از کار عملیاتی است... جنگ ما با رژیم، جنگ دو سازمان مهندسی است. هر کدام بیشتر شکنجه کند، برنده است.» در پی این دستور سازمان در مرداد ۱۳۶۱، سه پاسدار به نام طالب طاهری، محسن میر جلیلی، شاهرخ طهماسبی و یک کفاش به نام عباس عفت‌روش (جهت گرفتن اطلاعات در مورد فعالیت‌های همسرش) توسط بخش ویژه نظامی ربوده می‌شوند. این سه پاسدار ابتدا به یک خانه تیمی در خیابان بهار برده می‌شوند. مسئولان درجه اول سازمان از جمله مهدی کتیرابی و حسین ابریشم‌چی برای کسب اطلاعات از آن‌ها به این خانه می‌روند و شروع به شکنجه دستگیرشدگان می‌کنند، بعد با تزریق سیانور آن‌ها را کشته و در یکی از باغ‌های اطراف تهران دفن می‌کنند. پس از مفقود شدن سه پاسدار و کفاش، ابتدا خسرو زندی (یکی از عوامل شکنجه) در ۲۲ مرداد ۶۱ توسط مردم، هنگام سرفقت جهت انجام ترور دستگیر می‌شود و با توجه به مدارک به‌دست‌آمده از خانه تیمی او، محل دفن و اختفای پیکر شکنجه‌شدگان کشف می‌شود. بعد از مجموعه پیگیری‌ها و با استفاده از اطلاعات قبلی دیگر عوامل شکنجه‌گر

شناسایی می‌شوند و تحت تعقیب قرار می‌گیرند و طی چند عملیات تعدادی از آن‌ها کشته و برخی دیگر دستگیر می‌شوند. مهران اصدقی، فرمانده اول نظامی مجاهدین خلق در تهران از جمله افراد دستگیر شده بود. او پس از دستگیری تا مدت‌ها سعی در کتمان جزئیات و حقایق مربوط به جنایت‌های‌شان می‌کند، اما پس از بازداشت بعضی از افراد تحت مسئولیتش از جمله محمدرضا نادری و خسرو زندی و روبه‌رو شدن با آن‌ها ابتدا صرفاً به گوشه‌ای از کارهایش اعتراف می‌کند و در سال ۶۳ پس از گذشت یک سال و نیم از بازداشتش با مشاهده مدارک و شواهد انکارنشده‌ی به‌ناچار جزئیات کاملاً تازه‌ای از جنایات مجاهدین خلق را بازگو می‌کند.

گامی تازه در تاریخ‌نگاری مجاهدین خلق

در تاریخ‌نگاری سازمان مجاهدین خلق پس از انقلاب و خصوصاً پس از ورود فاز مسلحانه در ۳۰ خرداد ۱۳۶۰، اغلب دو گروه مورد بررسی قرار می‌گیرند؛ نخست گروهی که اکثریت آن‌ها را هواداران، سمپات‌ها و اعضای رده پایین تشکیل می‌دادند. هدف این گروه وارد کردن «ضربه کمی» از طریق ترورهای کور خیابانی، کشتن مردم غیرمسلح و «پاسدارکشی» و «ریشوکشی» در کف خیابان بود. گروه دوم نیروهای نفوذی مجاهدین در نهادهای انقلابی بودند که وظیفه‌شان ترور مسئولان عالی‌رتبه و زدن «ضربه کیفی» به نظام بود. در نظر مجاهدین دو خط «زدن سرانگشتان رژیم» و «ضربه به سر حاکمیت» در راستای استراتژی «تنه زدن» بود که باید منجر به سقوط نظام در تابستان ۱۳۶۰ می‌شد که به شکست انجامید. حلقه گمشده در این تاریخ‌نگاری پرداختن به جایگاه و نقش

«بخش ویژه نظامی» سازمان مجاهدین خلق در عملیات‌های تروریستی سازمان است. بخش ویژه نظامی اگر چه از اعضا و کادرهای رده‌بالای مجاهدین و نیروهای زنده عملیاتی تشکیل شده بود ولی به صورت خاص ترور مسئولین نظام را دنبال نمی‌کرد؛ بلکه به مثابه بازوی اطلاعاتی-عملیاتی مرکزیت، مأموریت‌های خاص و «ویژه» ای را دنبال می‌کرد که در انحصار خودش قرار داشت. همین بخش بود که عملیات غم‌انگیز «عملیات مهندسی» و شکنجه دردناک پاسداران را رقم زد. کتاب «عملیات مهندسی» به بررسی کارنامه تروریستی بخش ویژه نظامی سازمان مجاهدین خلق در مقطع ۱۳۵۷-۱۳۶۱ پرداخته است.

عملیات‌های تروریستی بخش ویژه نظامی سازمان مجاهدین، چهره حقیقی اعضای سازمان را نشان داد و روی واقعی مجاهدین خلق را که از ابتدای انقلاب سعی در پنهان کردن آن داشتند، نمایان کرد. کتاب «عملیات مهندسی» نشان می‌دهد افرادی چون مهران اصدقی، مصطفی معدن‌پیشه و خسرو زندی چگونه در کمتر از چند سال از انقلابیونی پرشور به تروریست‌های بی‌رحمی تبدیل شدند که کندن پوست سر یک نوجوان ۱۶ ساله یا زنده به‌گور کردن چند نفر برای آن‌ها مشکل نبود.

در سه فصل آغازین «عملیات مهندسی» حوادث و رویدادهای فاز سیاسی سازمان-از پیروزی انقلاب تا ۳۰ خرداد ۶۰- مرور شده و به تدارک مجاهدین برای قیام مسلحانه و نفوذ پرداخته شده و در فصل چهارم زمینه‌ها و تحلیل‌هایی که منجر به تولد «بخش ویژه نظامی» شد، مورد تدقیق و کنکاش قرار گرفته است. در فصل پنجم خطوطی که بخش ویژه نظامی دنبال می‌کرد، به‌صورت جداگانه بررسی و طرح‌ها و عملیات‌هایی که در راستای این خطوط انجام گرفت، بررسی شده است. فصل ششم به بررسی عملیات‌های متقابل نهادهای امنیتی نظام اختصاص دارد و در فصل هفتم تحلیل‌های سازمان و بخش ویژه نظامی برای جلوگیری از تکرار ضربه‌ها مرور شده است. فصل هشتم تا دوازدهم روایتی از قربانیان و شهدای عملیات مهندسی به ترتیب رایش ارائه شده و فصل آخر هم به پیامدها و عوارض عملیات مهندسی درون سازمان، افکار عمومی کشور و مجامع بین‌المللی پرداخته شده است.



مراسم تشییع پیکر شهدای عملیات مهندسی